



تملق و چاپلوسی از منظر اسلام / تملق گو منافق است

دین اسلام اجازه نمی دهد که فرد مسلمان متملق باشد، چرا که روحیه تملق و ستایشگری آثار زشتی هم در روح تملق گو و هم در روح ستایش شونده و هم در جامعه بر جای می گذارد.

دین اسلام اجازه نمی دهد که فرد مسلمان متملق باشد، چرا که روحیه تملق و ستایشگری آثار زشتی هم در روح تملق گو و هم در روح ستایش شونده و هم در جامعه بر جای می گذارد.

به گزارش خبرگزاری مهر، یکی از صفات ناپسند "ستایشگری و ثناگویی" است. روحیه تملق و چاپلوسی به مانند عیب جویی، از ضعف شخصیت و خود کم بینی انسان ناشی می گردد. در واقع این خصیصه کسانی است که در پی جبران کمبودهای خود، سعی می کنند با ستایش بیش از حد دیگران، موقعیتی برتر برای خود تامین کنند. این خصیصه افراد خودباخته و سست عنصری است که نظر به قدرت و ملک لایزال الهی ندارند و از این رو، چشم طمع به دیگران می دوزند و عزت و سروری خویش را از فقیران واقعی درگاه حق می طلبند.

اگر کسی به درگاه غنی مطلق روی آورد و از سرچشمه هستی کمک خواست دیگر از سر طمع، تملق و ستایش غیر را نمی کند. امیرالمومنین علی(ع) در این باره که تنها خداوند شایسته ستوده شدن است می فرماید: بار خدایا تویی سزاوار و صف نیکو و لایق شمارش نعمت های بی پایان. اگر به تو امید بندند تو بهترین امید بسته ای و اگر به تو امیدوار گردند تو گرمی ترین کسی هستی که به او امید می رود. بار خدایا، در نعمت بر من گشودی و مرا زبانی دادی که با آن جز تو را نستایم... و از ستایش آدمیان و درود بر آفریدگان و پرورده شدگان زبانم را باز داشتی.

البته گاهی انسان برای رضایت خداوند و بزرگداشت مومنان، مومنی را می ستاید و خوبی های او را بر می شمارد، اما گاهی از روی طمع و انگیزه های نفسانی دیگران را ستایش می کند، تا توجه آنان را به خود جلب کند که به موقع او را از کمک های مادی خود برخوردار کنند. در واقع با عمل خود نان به دیگران قرض می دهد.

روحیه چاپلوسی و تملق از صفات زشت انسان است و با ایمان به خداوند سازگاری ندارد، چون وقتی انسان سرنوشت خود را به دست دیگران دید برای اینکه خیری به او برسانند به چاپلوسی و تملق آنها بپردازد. این در حالی است که انسان باید سرنوشت خود را به دست خداوند ببیند. منشأ روحی، روانی این صفت خود کم بینی است که انسان احساس می کند دستش خالی است و سعی می کند خود را به دیگران وابسته سازد که در پرتو وابستگی به آنها، آن هم از راه تملق و چاپلوسی، خیری به او عاید گردد.

شایسته است که به بازتاب گسترش روحیه تملق و چاپلوسی در جامعه توجه کنیم و بنگریم که تملق دیگران و ستایش بیش از حد افراد چه تاثیری بر روی آنها دارد. شکی نیست که زیاده روی در ستایش دیگران، موجب غرور و تکبر آنان می گردد و افراد را لوس و از خود راضی و پرتوقع بارمی آورد و حس خودستایی و بزرگ بینی را در آنان برمی انگیزاند و نسبت به ستمگران، خودستایی نوعی تایید و تشویق عملی به حساب می آید.

تملق و ستایش دیگران موجب می گردد که آنان این ستودن را به حساب صفات و کارهای نیک خود بگذارند و بعلاوه نقاط ضعف خویش را فراموش می کنند و از طرف دیگر، کارهای زشت و نامشروعی که مرتکب شده اند در نظرشان پسندیده جلوه می کند. تملق و چاپلوسی، گذشته از آنکه جلوی پاره ای از اصلاحات اخلاقی را می گیرد مسیر افراد کم ظرفیت و خودخواه را دگرگون می سازد و آنان را در نمایان ساختن نقاط ضعف اخلاقی و روش های ظالمانه و خلاف عقل و شرع خویش جسور می سازد.

پیشوایان دین خود عملاً از چاپلوسی بیزار می جسته اند و از سوی دیگر، پیروان خود را از آن بر حذر داشته، به مبارزه علیه آن وادار می ساختند پیامبر(ص) می فرماید: "به صورت چاپلوسان و مداحان خاک بپاشید". این سخن در ارتباط با کسی است که مسلمانی را تملق می گوید و الا تملق کافر که حکمش از این نیز شدیدتر است. این تعبیر برای این است که جلوی رواج و گسترش روحیه، تملق گویی، در جامعه، گرفته شود تا آنجا که ما می بینیم شخصیتی چون علی(ع) که جامع همه فضایل و کمالات انسانی بودند و فوق انسان های عادی و مظهر جلال و جمال الهی بودند، اجازه نمی دادند کسی در حضورشان ایشان را بستاید و مدح گوید.

وقتی گروهی حضرت علی(ع) را در پیش رو ستودند، حضرت فرمودند: "خدایا، تو به من از خویش داناتری و من به خود از آنها

دانانم، خدایا، مرا بهتر از آنچه ایشان گمان می برند قرار بده و آنچه از زشتی هایی" را که نمی دانند بیامرزد. حضرت می خواستند به آنها تفهیم کنند که نیاز به ستایش آنها ندارند و اجازه نمی دهند ایشان را بستایند تا این صفت ناشایست، یعنی روح تملق، در جامعه اسلامی رواج یابد. چون اگر آن روز علی(ع) را می ستودند دیگر روز حاکم دیگری را می ستودند و همه معصوم نیستند که فریب این تملق ها را نخورند، بلکه برخی رفته رفته این چاپلوسی ها و تملق ها در آنها اثر می کند و تصور می کنند آنچه دیگران درباره آنها می گویند راست می باشد و این آفت بزرگی است که انسان دیگران را اغراء به جهل کند و باعث شود که دیگران برتر از آنچه هستند در نظر خود جلوه کنند و کم کم آنچه را درباره آنها می گویند باور می کنند. این باور غلط موجب می گردد که از اعتدال خارج گشته، خود را بیش از آنچه هستند بینند و بپندارند، و این آفت بزرگی است. به علاوه این ستایش بی جا، تملق و چاپلوسی است و تملق نشانه نفاق و دورویی است. حضرت علی(ع) می فرمایند: ستودن دیگری، بیش از آنچه شایسته است چاپلوسی می باشد. و در جای دیگر فرمودند: کسی که برای فضیلتی که در تو نیست به دروغ مدحت گوید، سزاوار است که دیگر روز به جهت صفت بدی که از آن منزهی نکوهشت کند.

سخن حضرت این نکته را آشکار می سازد که چاپلوسی و تملق درصدد بیان حق و واقعیت نیست، بلکه منافع شخصی او را وادار به ستودن دیگران کرده است. از این رو اگر روزی ورق برگشت و منفعت خود را در تضعیف شخصی دید که بیشتر به فضیلتی که در او نبود او را می ستود، در مقام نکوهش و مذمت، صفات زشتی را به او نسبت می دهد که در او نیست، شاید از این رهگذر نفعی عاید او گردد و موقعیتی به دست آورد. پس اسلام اجازه نمی دهد که انسان متملق باشد، چرا که روحیه تملق و ستایشگری آثار زشتی هم در روح تملق گو و هم در روح ستایش شونده و هم در جامعه بر جای می گذارد.

در واقع ستایشگر باید خود را آنچنان پست و حقیر بسازد و خودباخته باشد که آن تملق های بی جا را بر زبان جاری کند و خداوند متعال راضی نیست که مومن عظمت و عزت نفس خویش را زیرپا نهد و آنچنان خود را فرومایه و حقیر بیابد، تا به تملق دیگران بپردازد. اثر تملق بر روح تملق شونده این است که او خود را فراموش می کند و خیال می کند از چنان مقام و شخصیت والایی برخوردار است که متسحق احترام و ستایش دیگران است در نتیجه کاستی ها و ضعف های خود را فراموش می کند و زندگی و رفتار خود را آکنده از نقاط برجسته و مثبت می پندارد.

پیامبر(ص) فرمودند: هر گاه برادرت را در پیش رویش بستایی، چنان است که تیغ بر گلویش نهاده ای. ستایش و تملق انسان های شرور و فاسد موجب جسور گشتن آنان گشته، دست آنها را در چپاول و تعدی به حقوق دیگران باز می گذارد. شخص چاپلوس گذشته از اینکه مرتکب نفاق و دروغ گردیده است، با تعریف و تمجید بی جای خود، زمینه مناسب تری برای خودسری، تندروری، بی بند و باری و تجاوزهای فاسدان، بخصوص زمامداران و حاکمان باطل، فراهم می سازد و در واقع خود از جمله عوامل فساد و شریک جرم زیان ها و خساراتی است که از ناحیه ستمگران به دیگران متوجه می گردد.

پیامبر(ص) می فرمایند: هنگامی که شخص فاجر ستایش شود عرش خدا به لرزه درآید و خداوند متعال به غضب. حضرت می فرمایند: عیب جو مباش که فقط نقاط ضعف مردم را بیابی و ذکر کنی و آبروی مردم را بریزی؛ چراکه خداوند راضی نیست آبروی مردم ریخته شود و حتی آن عیب هایی که در آنان هست فاش شود. او خود پرده بر روی عیب های مردم کشید تا در کنار هم با الفت و محبت زندگی کنند و نیز اجازه نمی دهد که مومنان عیوب یکدیگر را فاش کنند و حتی اجازه نمی دهد که مومن عیب خود را برای دیگری ذکر کند، چون انسان حق ندارد آبروی خود را بریزد. همچنین می فرمایند: از سر تملق و چرب زبانی صفات خوبی که در دیگران نیست به آنها نسبت نده. در واقع این افراط و تفریط هر دو برای مومن ضرر دارد و انسان نباید از اعتدال خارج گردد.